



رقابت روشنفکران و حکمرانان

نگاهی به کتاب «هم شرقی و هم غربی: تاریخ روشنفکری مدرنیته ایرانی»

نگین نویی

منبع: مجله ایرانی استلاید

کتاب افشین متین عسگری تحقیقی بلندپروازانه است که به مدرنیته ایران از دریچه تاریخ اندیشه نظر می‌کند. کتاب با معرفی عقایدی که بر اندیشه نویسندگان، متفکران و فعالان دوره‌های مختلف از قرن دوازدهم شمسی تا انقلاب ۱۳۵۷ تأثیر گذاشته است، داستان پیدایش ایران مدرن را روایت می‌کند. افشین متین عسگری در این کار دو هدف را دنبال می‌کند: نخست، توجه‌ها را به نقشی که شرایط جهانی (نه غرب به تنهایی) در مدرن شدن ایران داشت جلب می‌کند. دوم، انقلاب ۱۳۵۷ را تبارشناسی می‌کند و نشان می‌دهد که به رغم غلبه «گفتمان اسلامی» در این انقلاب، بی‌شک «فرهنگ سیاسی قبل و بعد از انقلاب با هم پیوستگی داشته‌اند» (ص. ۶). متین عسگری از «پیدایش مدرنیته ایرانی» (ص. ۲۱) و انقلاب مشروطیت آغاز می‌کند و به خوانندگان متذکر می‌شود که این انقلاب شاید بیش از آن که مدیون غرب باشد و امدمدار مدل‌های عثمانی و روس و نتیجه تبادلات فکری با فعالانی بود که در قفقاز تحت کنترل روسیه ساکن بودند. فصل‌های بعد به دهه‌های متعاقب انقلاب مشروطه می‌پردازد و گفتمان‌ها و ایدئولوژی‌های غالب در این سال‌ها را بررسی می‌کند. از ملی‌گرایی و ساخت دولت - ملت در دهه‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۱۰ شمسی گرفته تا سوسیالیسم و مارکسیسم که در کل سال‌های دهه ۱۳۱۰ تا دهه ۱۳۵۰ اغلب فضای روشنفکری را زیر سلطه داشت و ایدئولوژی‌های جهان سوم گرا و چپ اسلامی که در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ سر بر آوردند. او در بررسی هر کدام از این‌ها نشان می‌دهد که چگونه نسل‌های متفاوتی از روشنفکران ایران جذب این ایدئولوژی‌های جهانی شدند و علاوه بر تبادلات فکری در حلقه‌های فکری‌شان، بر کل فضا و فرهنگ سیاسی ایران تأثیر گذاشتند.

متین عسگری در تشریح تصورات مختلفی که روشنفکران ایرانی از مدرنیته داشتند بر تحقیقاتی که پیش از این انجام شده است تکیه می‌کند. او علاوه بر بررسی همه مطالعات مهمی که در زمینه تاریخ سیاسی و فکری ایران مدرن انجام شده است از منابع دست‌اول نیز بسیار استفاده می‌کند که طیف وسیعی از کتاب‌ها و مطبوعات و مجلات فکری فارسی را شامل می‌شود. به این ترتیب، او موفق می‌شود قلمروی تحقیقش را گسترش دهد و به قول خودش «صفحات گمشده»ی تاریخ اندیشه ایران را مقابل دیدگان مان بگذارد، از مناظره‌ها و مطبوعات گرفته تا نویسندگان و روشنفکرانی که در تحقیقاتی که تاکنون انجام شده یا «مغفول مانده‌اند» یا «توجه کافی به آن‌ها نشده است». از این رو، او به «حلقه برلین» توجه ویژه‌ای می‌کند. این حلقه گروهی از روشنفکران ایرانی مهاجرت کرده بودند که تفکرات‌شان درباره ملی‌گرایی را در سه مجله چاپ برلین از سال ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۵ شمسی منتشر کردند. او دلایل متقنی می‌آورد که این حلقه هم بنیان فکری و هم عامل مشروعیت‌بخش برآمدن حکومت ملی‌گرای مستبد

به رهبری رضاشاه پهلوی را فراهم کرد. او، در زمینه‌ای متفاوت، یکی دیگر از جنبش‌هایی را که کم‌تر درباره آن تحقیق شده زیر ذره‌بین قرار می‌دهد و آن جنبش خداپرستان سوسیالیست است؛ جنبشی متشکل از گروهی از جوانان مسلمان سیاسی که به رهبری محمد نخشب در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ شمسی فعالیت می‌کردند. گرچه بر کسی پوشیده نیست که این جنبش نخستین نمونه از ترکیب اسلام و سوسیالیسم بوده و در شکل‌گیری برخی از نظرات علی‌شریعتی نقش داشته است، متین عسگری در برخی از نوشته‌های خود نخشب، هر چند به طور خلاصه، مذاقه می‌کند تا گرایش‌های بومی و جهانی‌ای را که در شکل‌گیری جهان‌بینی او تأثیر داشته‌اند تشخیص دهد. متین عسگری با همین روش بخش بزرگی از تحقیقش را به واکاوی دقیق جنبه‌های مختلف اندیشه احمد کسروی اختصاص داده است، زیرا به نظر او تأثیر بلندمدت افکار او، بسیار بیش‌تر از قدری بوده است که تاکنون برای آن قائل شده‌اند. او به‌ویژه به نقد کسروی از اروپایی‌گری می‌پردازد؛ نقدی که در کنار پیش‌بینی‌اش از اصلاحات اخلاقی و مذهب افراطی، به نظر می‌رسد زمینه را برای چیزی مهیا می‌دید که متین عسگری آن را «پروژه‌های ایدئولوژیک دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی» می‌نامد، پروژه‌هایی «که مارکسیسم، بومی‌گرایی جهان‌سومی و خوانش انقلابی از شیعه را در یک کاسه ریختند و ایده‌های آخرالزمانی منتهی به انقلاب ۱۳۵۷ را به وجود آوردند.» (ص. ۱۱۳)

در سه فصل پایانی کتاب که به دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی می‌پردازند، متین عسگری با کاوش در منابع فارسی حال‌وهوای فکری آن دوران کشور را با تمام تناقضاتش پیش‌چشم‌مان تصویر کرده است؛ دوره‌ای که در راستای موج جهان‌سوم‌گرایی، میل فزاینده‌ای به ضدیت با غرب پیدا شده بود، و نگاهی مرکزیت یافته بود که جلال آل‌احمد با کتاب غرب‌زدگی آن را باب کرده بود و به موازات آن، در میان حلقه‌های روشنفکری دگراندیش، از سکولار و مذهبی تا لیبرال و محافظه‌کار و نیز در محیط‌های دانشگاهی، کم‌وبیش، ترجمان‌های مختلفی از گفتمان «اصالت فرهنگی» جاثق شده بود. ویژگی‌های این گفتمان بومی‌گرا در تحقیقات پیشین بررسی شده است ولی آنچه در این کتاب بدیع است یا حداقل با دقت بیش‌تری به آن پرداخته شده اشتراکات زیاد این گفتمان با گفتمانی است که حکومت در تبلیغ «فرهنگ ملی» به وجود آورده بود. این که چرا حکومت نیز به «علم کردن اصالت ایرانی در برابر تهاجم غرب» (ص. ۱۹۱) علاقه‌مند شده بود به گفته متین عسگری تا حدی به این دلیل بود که افراد مؤثر در تعیین سیاست‌های فرهنگ رسمی، از رسانه‌های دولتی تا فستیوال‌هایی که مدام بر تعدادشان افزوده می‌شد، از گروه‌های مطالعاتی تا مؤسسات فرهنگی، همگی روشنفکران دگراندیش سابق بودند که حکومت در تلاش برای کسب مقبولیت سیاسی آن‌ها را به خود جلب کرده بود. نفوذ گفتمان اصالت فرهنگی در حکومت و جامعه بدان جا رسید که در اواسط دهه ۱۳۵۰ وقتی شاه می‌خواست برای حزب رستاخیز بدفرجامش فلسفه‌ای پیدا کند اصرار داشت که این فلسفه «انقلابی، اصالتاً ایرانی و نه شرقی و نه غربی باشد و ریشه در دیالکتیک عرفانی شیعه داشته باشد.» (ص. ۱۴)

کتاب متین عسگری، کتابی است تفکربرانگیز و آموزنده که بر مستندات فراوان تکیه دارد (پی‌نوشت‌های آن ۸۵ صفحه است) و در آن از نظریه‌پردازی‌های انتزاعی‌ای عاقدانه خودداری شده است. آنچه این کتاب را از تحقیقات قبلی درباره تاریخ اندیشه متمایز می‌کند دامنه آن و توجهش به جزئیات و زمینه‌های بومی و جهانی است. این کتاب دلایل قانع‌کننده‌ای ارائه می‌کند از این که ایده‌ها چطور آمدند و آذهان را به تسخیر خود درآوردند و چطور در برهه‌هایی خاص بر فعالیت‌های سیاسی و حکومت تأثیر گذاشتند و در روی دادن وقایع به شکلی که افتاد سهیم بودند. □